

نقد و بررسی نظریه‌های خاستگاه زبان

دکتر مسعود دهقانی* masooddehmani@yahoo.com

دکترای زبان و ادبیات فارسی

واژگان کلیدی

* خاستگاه زبان

* دین

* طبیعت

* دلالت لفظی

* تکامل

چکیده

یکی از مشکلات پیچیده زبان، تلاش برای تعریف و بررسی ماهیت آن است. این نکته بیان‌گر اهمیت پدیده زبان و شاخص‌های آن نسبت به مسائل دیگر انسانی است. زبان به شکلی گسترده و عمیق توانایی‌های مختلفی از انسان را به کار می‌گیرد؛ از این طریق، هر یک از محققان علوم مرتبط با فعالیت‌های انسانی به بخشی از حوزه زبان توجه می‌کنند. از کهن‌ترین دوران، فیلسوفان به مسأله زبان توجه داشته‌اند. روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز به این موضوع به شکلی دقیق‌تر و جزئی‌تر توجه نموده‌اند. بحث درباره منشأ زبان سده‌ها ادامه یافته است و نظریات متعددی در این زمینه ارائه گردیده اما ماهیت نامحسوس و ناملموس زبان به گونه‌ای است که نمی‌توان هیچ یک از نظریات را به شکل قطعی پذیرفت. در اغلب ادیان و دیدگاه‌های اسطوره‌ای به جهت پرسش‌هایی که ذهن بشر در باب خاستگاه زبان مطرح می‌نموده، یک منشأ الهی برای آن در نظر گرفته شده است. نظریه دیگری نیز درباره خاستگاه زبان وجود دارد که زبان را تقلید از صدای اشیاء و موجودات می‌داند. دیدگاه دیگر بحث دلالت لفظی را شامل می‌شود. در واقع از دید منطقی دلیل دلالت لفظ بر معنا پیوندی است که در ذهن میان لفظ و معنا وجود دارد. اما در این میان، درباره ذاتی بودن و یا قراردادی بودن این نوع دلالت بحث مفصلی وجود دارد. بر این اساس در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از مستندات باستان‌شناختی و نظریات زبان‌شناسان، پیشینه خاستگاه زبان بررسی شده و دیدگاه‌هایی که بر پایه خاستگاه الهی، تقلید از طبیعت، دلالت لفظی و نظریه تکامل هستند، تبیین گردیده و مسأله وحدت زبان مورد بحث قرار گرفته است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۲۱

۱. مقدمه

یکی از ابتدایی‌ترین مسائلی که ذهن بشر را به خود مشغول ساخت، مسألهٔ زبان بود. این نکته که چرا انسان تنها موجودی است که می‌تواند سخن بگوید، پرسشی است که بشر به دنبال پاسخ آن بوده و این موضوع در پاسخ‌های دینی و اسطوره‌شناختی او نمود یافته است. ویل دورانت^۱ پیدایش گفتار و سخن را نخستین پیشرفت بزرگ تاریخ بشری در عبور از عصر جهل و ترس و توحش می‌داند. (دورانت، ۱۳۸۵: ۲۸۳)

از دوران قدیم، دانشمندان ملل گوناگون در باب خاستگاه زبان نظریات متعددی را بر اساس مستندات خود ارائه نموده‌اند. در عصر جدید نیز بررسی منشأ و خاستگاه زبان موضوعی است که از دیدگاه دو علم زبان‌شناسی و انسان‌شناسی پیگیری می‌شود. با بررسی نظریاتی که در این باب ارائه شده است، به این مهم دست می‌یابیم که خاستگاه زبان دور از دسترس علوم قرار دارد چراکه تمامی دانش‌های انسانی بر محور مستندات و مشاهدات قرار دارند اما زبان شفاهی و گفتاری هیچ اثر باستان‌شناسی از نوع فسیل و ... از خود به جای نمی‌گذارد.

«بحث خاستگاه زبان به یک بن‌بست منطقی می‌انجامد که به عنوان پارادوکس تداوم^۲ معروف است: یادگیری زبان تنها در صورت وجود زبان‌های از پیش موجود، حداقل انواع بدوی زبان، می‌تواند تحقق پیدا کند؛ به عبارت دیگر، کسب توان‌مندی در تکلم، که نیازمند کاربرد نیروهای ذهن و اندیشه‌ای است، خود وابسته به حضور قبلی زبان است که فرایند اندیشیدن و بازنمود نیروهای ذهنی به وسیلهٔ آن انجام می‌گیرد.» (صاحب‌جمعی، ۱۳۸۹: ۲۶ - ۲۷)

از این جهت اگرچه بحث دربارهٔ منشأ زبان سده‌ها ادامه یافته است و نظریات متعددی در این زمینه ارائه گردیده اما ماهیت نامحسوس و ناملموس زبان به گونه‌ای است که نمی‌توان هیچ یک از نظریات را به شکل قطعی پذیرفت. اما با این وجود هر یک از تئوری‌های موجود در باب خاستگاه زبان دلایل و مستندات ویژهٔ خود را مطرح نموده‌اند و هر کدام پشتوانه‌های تاریخی و علمی خود را دارند.

1. Will Durant (1885 - 1981).

2. Continuity paradox.

۲. پیشینه نظریات

تفکر فلسفی در باب طبیعت، منشأ و تحول زبان با رساله *کراتیلوس*^۱ افلاطون آغاز می‌شود و تاکنون نیز ادامه یافته است. موضوع این رساله بحث دربارهٔ واژه‌ها و چگونگی اشتقاق آنها است و در واقع این رساله یکی از نخستین گام‌هایی است که در زبان‌شناسی برداشته شده است. (۱) یکی از نخستین کسانی که برای ارائهٔ نظریه‌ای عقلانی و مستند به مطالعهٔ خاستگاه زبان و تحول آن پرداخت، لایبنیتس^۲، فیلسوف و ریاضی‌دان بود. او در اثر خود با عنوان *مجموعهٔ ریشه‌شناسی*^۳ (۱۷۱۷ م) برای نخستین بار خویشاوندی زبان‌هایی را که امروزه اورالی (ساموئیدی و فنلاندی - اوگریایی) خوانده می‌شوند، اثبات کرد. نظریهٔ خویشاوندی زبان‌ها و این که هر یک از آنها از زبانی کهن‌تر (که احتمالاً ناپدید شده است) از مدت‌ها پیش زاده شده بود و توسط پژوهش‌گران دنبال می‌شد. «جوانه‌های این تفکر حتی در قرون وسطی در بسیاری از تحقیقات دانشمندان یهودی و عرب، که خویشاوندی زبان‌های سامی را پذیرفته بودند، وجود داشته است.» (ریوز و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

در قرن هفدهم توجه فیلسوفان به بحث خاستگاه زبان جلب شد. در این میان، ژان ژاک روسو^۴ در نوشته‌ای با عنوان *خاستگاه زبان*^۵، زبان را نوع توسعه‌یافتهٔ صداها و فریاد حیوانات دانست. ایتین کوندیلاک^۶ نیز معتقد است که زبان با حالات و شکلک آغاز شده است. از نظر او، ارتباط سرخ‌پوستان آمریکایی با هم‌دیگر توسط نشانه‌ها و اشکال از نشانه‌های اولیهٔ پیدایش زبان است. (دورتیه، ۱۳۸۹: ۳۷۲ - ۳۷۳)

در قرن هجدهم دانشمندان زبان‌شناس در نقاط مختلف اروپا در پی دستیابی به نظام تحول زبان و ارتباط زبان ابتدایی انسان با شکل امروزی آن بودند و تلاش می‌کردند تا برای واژگان مختلف مستندات تاریخی و ریشه‌شناختی ارائه نمایند. در سال ۱۷۶۴ م فرانسوا کوردو^۷

1. *Kratylos*.

2. Gottfried Wilhelm Leibniz (1646 – 1716).

3. *Collection Etymologica*.

4. Jean-Jacques Rousseau (1712 – 1778).

5. *Nizet*.

6. Étienne Bonnot de Condillac (1714 – 1780).

7. F. Coeurdoux.

شبهات‌هایی بین زبان سانسکریت، یونانی و لاتین پیدا کرد و در سال ۱۷۸۶ ویلیام جونز^۱ انگلیسی در ادامه نظریه کوردو، در سخنرانی خود در انجمن سلطنتی آسیایی در کلکتة هند بیان نمود که زبان‌های گوتی، سلتی و فارسی می‌توانند از یک زبان اصلی که احتمالاً از بین رفته است، سرچشمه گرفته باشند. (ریوز و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۲)

در قرن نوزدهم نظریه‌های متعددی در باب خاستگاه زبان مطرح گردید که غالباً بر اساس فرضیه‌های ذوقی شکل گرفته بودند. از این نظر، دانشمندان برای این که زبان‌شناسی به عنوان یک شاخه علمی مطرح شود، سعی کردند تا از ارائه این نوع نظریات بی‌اساس جلوگیری نمایند. بنابراین علاوه بر دلایل علمی، به تأثیر از مسائل سیاسی و نیز برای جلوگیری از ورود کلیسا به بحث منشأ زبان، در سال ۱۸۶۶ م در هنگام تأسیس «انجمن زبان‌شناسان پاریس» در اساس‌نامه این انجمن تمامی مطالب مرتبط با خاستگاه زبان مردود اعلام شد:

ماده یک

انجمن زبان‌شناسان هدفش مطالعه زبان، داستان‌ها، احادیث، سنت‌ها، آداب و رسوم، اسناد که می‌توانند به غنای علم مردم‌نگاری بیانجامد، می‌باشد. مطالعه هر موضوع دیگر اکیداً ممنوع می‌باشد.

ماده دو

انجمن، هیچ نوع موضوعی را که با منشأ زبان و یا به ایجاد یک زبان جهانی بیانجامد، نمی‌پذیرد. (دورتیه، ۱۳۸۹: ۳۷۴)

بر اساس این موضوع، هر گونه بحث و سؤال درباره خاستگاه زبان یک موضوع کم‌اهمیت و بی‌اعتبار تلقی می‌شد. مدتی بعد از این مسأله و با رشد بخش‌های مختلف علوم از جمله مباحث زیست‌شناسی، داده‌های تاریخی و مستندات باستان‌شناختی مسأله منشأ زبان کم‌کم دوباره مورد توجه قرار گرفت. از این جهت، برخی از متفکران در دهه ۱۹۸۰ م به نوع زبان انسان‌های اولیه و ارتباط نظام زیست‌شناختی آنها با توان گفتاری انسان پرداختند و سعی نمودند با استفاده از مستندات باستان‌شناختی و مطالعه نظام فیزیولوژی بدن، خصوصاً مغز انسان‌های ابتدایی، پیدایش زبان را یک پدیده جدید معرفی کنند.

1. William Jones (1746 – 1794).

در عصر حاضر، در کنار تجدید دیدگاه قدمت زیاد خاستگاه زبان (چهل هزار سال) - که بیشتر به عنوان یک نظریه حاشیه‌ای دوباره مطرح شده بود - موضوع تدریجی بودن پیدایش زبان مطرح گردید؛ نظریه‌ای که بحث خاستگاه زبان را به شکل تکاملی و در مراحل چون پیش‌زبان یا زبان ابتدایی و زبان پیچیده مطرح ساخته است.

۳. انواع نظریات

در باب منشأ زبان و نحوه شکل‌گیری آن نظریات مختلفی بیان شده است که بررسی هر یک نیازمند پژوهشی مستقل است اما در بحث حاضر با ارائه دیدگاه‌های مهم، به عناصر اصلی هر کدام می‌پردازیم.

۳ - ۱. خاستگاه الهی

در اغلب ادیان و دیدگاه‌های اسطوره‌ای (۲) به جهت پرسش‌هایی که ذهن بشر در باب خاستگاه زبان مطرح می‌نموده، یک منشأ الهی برای آن در نظر گرفته شده است؛ به شکلی که زبان به عنوان هدیه‌ای الهی در اختیار انسان قرار داده شده است. یعنی از این منظر، خداوند پس از خلق انسان، سخن گفتن را به او آموخته است.

بر اساس **عهد عتیق** (سفر پیدایش، ۲۰: ۳) خداوند انسان را به شکل ناطق و سخن‌گو خلق کرد و «آن چه آدم هر ذی‌حیاتی را خواند، همان نام او شد.» (همان، ۲: ۱۹) در آغاز **انجیل یوحنا** نیز چنین آمده است: «در ابتدا بود کلمه، و کلمه بود نزد خدا، و خدا همان کلمه است، این بود همیشه نزد خدا، همه چیز از آن پیدا شده و از غیر آن پیدا نشده چیزی از آن چه پیدا نشد؛ و به سبب آن یافت شد حیات.» (حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۷۷) بر اساس سنت هندو نیز زبان را همسر برهما، الهه ساراسواتی، خالق کائنات پدید آورده است. (معینیان، ۱۳۸۸: ۹۱) این دیدگاه در اروپا باعث پدید آمدن سنت دینی در باب خاستگاه زبان شد و هر گونه تفکر جدی را در این زمینه مانع گردید که نتیجه این موضوع در اساس‌نامه مذکور انجمن زبان‌شناسان پاریس به شکل رسمی آشکار شد.

در **قرآن کریم** نیز آیاتی چون «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ: وَ خداهمه نام‌ها [ی موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس [هویت و حقایق ذات موجودات را] به فرشتگان ارائه کرد و گفت: مرا از نام‌های ایشان خبر دهید، اگر [در ادعای سزاوار بودن‌تان به جان‌شینی] راست‌گو هستید» (بقره: ۳۱)، «خَلَقَ

الْأَنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ: انسان را خلق کرد و به او تعلیم نطق و بیان فرمود» ﴿الرحمن: ۳ و ۴﴾ از دیدگاه برخی از مفسران به موضوع خاستگاه زبان اشاره دارند و آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ الْاِخْتِلَافُ اَللِّسَانِ وَ اَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِى ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِيْنَ: و از نشانه‌های اقدردت و ربوبیت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف و گوناگونی زبان‌ها و رنگ‌های شماسست؛ بی‌تردید در این [واقعیات] نشانه‌هایی است برای دانایان» ﴿روم: ۲۲﴾ با این موضوع مرتبط است. مفسران در مکتب‌های تفسیری شیعی و اهل سنت درباره منشأ زبان به این آیات استناد کرده‌اند. از جمله محمد بن محمود آملی در *نفائس الفنون* (قرن هشتم) می‌نویسد: «واضع جميع لغات آفریدگار است تعالی و تقدس و این مذهب شیخ ابوالحسن اشعری و اتباع او است و این مذهب را مذهب توقیع (توقیف) خوانند بنا بر آن که ایشان می‌گویند حق تعالی الفاظ را بیافرید و به ازای معانی وضع کرد و بندگان را به وحی بر آن واقف گردانید و یا خود اصوات و حروف را در جسمی از اجسام بیافرید تا آدمیان از او بشنیدند که واضع این الفاظ را به ازای این معانی وضع کرد یا علم ضروری در یکی از آدمیان یا بیشتر بیافرید تا ایشان بدانستند که واضع هر لفظی را از برای کدام معنی وضع کرد.» (دهخدا، ۱۳۷۷- لغت)

این نوع دیدگاه علاوه بر این که مسأله زبان را در امر خلقت مؤثر می‌داند، بلکه هستی انسان و وجود و ظهور زبان را دو امر هم‌زمان و جدایی‌ناپذیر مطرح می‌کند. این نظریه که در بحث‌های کلامی به نظریه «الهام» یا نظریه «توقیف» مشهور است، طرفدارانی چون دو بنالد^۱ دارد. این دانشمند فرانسوی نیز کلام را الهام آسمانی می‌دانست. (سیاسی، ۱۳۷۷: ۳)

۳ - ۲. تقلید از طبیعت

نظریه دیگری نیز درباره خاستگاه زبان وجود دارد که زبان را تقلید از صدای اشیاء و موجودات می‌داند. در واقع بر اساس این نظریه، کلمات مولود تقلید از آواهای طبیعی هستند. این نظر که بیشتر در میان فیلسوفان طرفدار داشته است، به فیلسوف آلمانی، هردر^۲ منسوب است. بوئاس^۳ نیز معتقد است که هنوز هم در برخی از زبان‌ها از جمله در زبان چینوک (زبان سرخ‌پوستان آمریکایی) و در برخی از لهجه‌های بانتو (زبان مردم افریقای جنوبی) به تقلید از صداهای

1. Louis de Bonald (1754 – 1840).

2. Johann Gottfreid von Herder (1744 – 1803).

3. Franz Boas (1858 – 1942).

طبیعت کلمات جدید می‌سازند. (کلاین‌برگ، ۱۳۶۹: ۶۲)

این نظریه در میان فیلسوفان قدیم عرب نیز طرفدارانی داشته است. «طبق نظر ابن جنی، یکی از اولین افرادی که وارد این بحث شد، خلیل بن احمد (ف: ۷۹۱)، بنیان‌گذار فقه‌اللغة عربی بود. مثلاً گفته می‌شود خلیل معتقد بود که تفاوت بین صدای ملخ و جیرجیرک در کلمات عربی که به این دو جانور اشاره می‌کنند، منعکس شده است: صرّ و صرصر. این دیدگاه درباره نام‌آواها، بعدها از سوی ریشه‌شناسان به افراط کشیده شد، به طوری که برای هر یک از صامت‌های عربی، معانی ذاتی نسبت دادند.» (جی. ویس، ۱۳۹۱: ۲۵) از معاصران عرب موافق این نظریه نیز مصطفی صادق الرافعی و علی عبدالواحد وافی را می‌توان نام برد. «رافعی می‌گوید: نزدیک‌ترین چیزی که درستی آن به گمان می‌رسد این که صداهای حیوانی نمونه‌های قابل تقلید در زبان انسان است. چون صداهای آنها دور و بر انسان را پر کرده و مخصوصاً در ابتدای زندگی جمعی انسان و درگیری‌هایش با حیوانات برای ادامه حیات خود او را به چاره‌اندیشی می‌اندازد و برای بیان حالات خود [اعم از] خشم و درد و ترس و ... از صداهای حیوانات تقلید می‌کند و این آغاز اختراع زبان است. اما علی عبدالواحد ... می‌گوید کودک در هنگام سخن گفتن از صداهای طبیعی تقلید می‌کند و کم‌کم زبان را می‌آموزد. انسان‌ها هم در ابتدای پیدایش زبان این گونه بوده‌اند و کم‌کم زبان پیشرفت کرده است.» (علی‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۵)

در این بین، نظریه «بو - بو^۱» وجود دارد که منشأ زبان را نام‌آواها از جمله وقوق و خرخر می‌داند. نام‌آواها در واقع واژه‌هایی هستند که صورت آوایی آنها، مصداق‌های آنها را در عالم واقع تداعی می‌نماید. (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۳۳۴) دلالت این نوع الفاظ (مثلاً شرشر آب و خرخر خواب) را می‌توان از نوع دلالت تصویری دانست. (نجفی، ۱۳۸۰: ۱۶) برخلاف فرایندهای واژه‌سازی دیگر، فرایند نام‌آوا برون‌زبانی است، یعنی منشأ آن در خارج از خود زبان واقع است. (فالک، ۱۳۷۷: ۹۷) در قرون وسطی یکی از مثال‌های معروف در فلسفه نشانه‌شناختی، نام‌آواها از جمله پارس سگ بود؛ از این نظر که مثلاً واژه نام‌آوای عوعو بیان‌گر رابطه منطقی بین عمل پارس سگ و نشانه زبانی معرف آن است. (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۲۷)

اما نظریه تقلید از طبیعت خصوصاً بحث نام‌آواها، منتقدان جدی خود را دارد. این افراد معتقدند

1. Bow-Bow.

که این نظریه، زبان را صرفاً مجموعه‌ای از کلماتی می‌داند که به عنوان اسامی موجودات به کار برده می‌شوند. (بول، ۱۳۷۹: ۸) زبان‌شناسان نیز به نام‌آواها به عنوان بخشی از زبان و نه از دیدگاه منشأ زبان نگاه می‌کنند. سوسور در این باب معتقد است که نام‌آواهایی که واقعاً تقلید یک صدا هستند (مثل تیک‌تاک، قدقد و ...) نه تنها تعدادشان اندک است بلکه چون صرفاً تقلید تقریبی صداها هستند، انتخاب آنها تا حدی اختیاری است. هم‌چنین زمانی که این آواها وارد زبان می‌شوند از تحول آوایی و ساختاری سایر واژگان تبعیت می‌کنند. در واقع نام‌آواها بخشی از ویژگی ابتدایی خود را از دست می‌دهند تا ماهیت کلی نشانه زبانی را که وجودش بی‌انگیزه است، به دست آورند. (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۰۱) یکی دیگر از دلایل نقد این نظریه این مطلب است که نام‌آواهای زبان‌های مختلف با هم فرق دارند. (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۱۷۷)

نظریه «پوه - پوه» نیز زبان را مستخرج از فریادهای هیجانی و یا صداهای هشدار حیوانات می‌داند. این نظریه که به نظریه ندایی نیز مشهور است و منتقدان ویژه خود را دارد، صداهای اولیه زبان را ناشی از احساس درد، خشم، لذت و ... مثل آه، اوه، آخ، اوخ و ... معرفی می‌کند.

نظریه‌های «یو - هه - یو^۲» یا مدل «سرود کار» نیز از دیگر نظریات تقلید از طبیعت در باب خاستگاه زبان هستند. تکیه این نظریات بر این است که «زبان از زمانی آغاز شد که اولین انسان‌ها با هم‌کاری یکدیگر به کار ساختن کلبه‌ها، شکار و گردآوری پرداختند.» (دورتیه، ۱۳۸۹: ۳۷۳) چراکه لازمه انجام این نوع کارها مانند استفاده از الوارها در ساختن، شکار حیوانات بزرگ مثل ماموت‌ها هماهنگی گروهی بوده است. البته منتقدان این نظریه اعتقاد دارند که این فرضیه نیز نمی‌تواند پاسخ‌گوی خاستگاه زبان انسانی باشد، چراکه میمون‌ها و برخی حیوانات دیگر نیز داد و فریادهای گروهی سر می‌دهند، در صورتی که از نظر قوه نطق پیشرفتی نکرده‌اند. (بول، ۱۳۷۹: ۹)

در این باره، ماکس مولر^۳، زبان‌شناس برجسته، برای نظریه «دینگ - دینگ» نیز که اولین کلمات تلفظ شده انسان را بازتولید صداهای طبیعی (دینگ‌دینگ زنگ کلیسا و جیک‌جیک پرندگان) می‌داند، اعتبار قائل است. (دورتیه، ۱۳۸۹: ۳۷۳)

1. Pooh-Pooh.

2. Yo-he-ho.

3. Max Müller (1823 – 1900).

4. Ding-dong.

۳ - ۳. دلالت لفظی

«دلالتهای لفظی عبارت است از آن که لفظ به گونه‌ای باشد که اگر انسان بدانند متکلم، آن لفظ را بیان کرده است، به معنای مراد شده از آن لفظ پی برد.» (مظفر، ۱۳۸۴: ۶۳) در واقع از دید منطقی دلیل دلالت لفظ بر معنا پیوندی است که در ذهن میان لفظ و معنا وجود دارد. اما در این میان، درباره‌ی ذاتی بودن و یا قراردادی بودن این نوع دلالت بحث مفصلی وجود دارد.

۳ - ۳ - ۱. دلالت ذاتی لفظ بر معنا

اندیشه‌ی ذاتی بودن لفظ بر معنا ریشه در نظرات برخی از فیلسوفان یونانی دارد. در رساله‌ی *کراتیلوس*، افلاطون بیان می‌کند که اسامی با ذات و طبیعت اشیاء رابطه دارند و بیان‌گر ماهیت آنها هستند. در واقع «خردمندان نخست نام‌ها را برای دلالت بر ذوات و ماهیات (مُثَل) وضع کرده‌اند و سپس با رعایت تناسب و با توجه به بهره داشتن محسوسات از آن ذوات و ماهیات و حقایق (مثل)، نام‌ها را در مورد اشیاء محسوس که در حکم سایه و نمود و نمایش آن حقایق و ذواتند به کار برده‌اند.» (موحد، ۱۳۷۶: ۱۱۳) این نظریه که به دلالت طبیعی یا ذاتی لفظ بر معنا مشهور است امروزه نیز در میان متفکران و فیلسوفان طرفدارانی دارد. (۳)

در تمدن اسلامی نیز مباحث متعددی در باب این نظریه توسط افراد مختلف ارائه شده است که بزرگ‌ترین اندیشمندان این نظریه، عباد بن سلیمان صمیری است. «می‌گویند عباد بن سلیمان صمیری، یکی از متفکران معتزلی قرن دوم عقیده داشته است که رابطه‌ی طبیعی میان لفظ و معنی، چندان مسلم است که اگر بخواهیم منکر آن شویم، باید در «وضع الفاظ» قائل به «ترجیح بلامرجح» شویم.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۱۵ - ۳۱۶) در میان متفکران اسلامی، خلیل بن احمد، سیبویه، میرداماد (فیلسوف عصر صفوی)، ابوعلی فارسی و شاگردان ابن جنی و سیوطی از جمله طرفداران طبیعی بودن رابطه‌ی لفظ و معنا به شمار می‌روند. (نیکوبخت، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

طرفداران ذاتی بودن دلالت لفظ بر معنی معتقدند که امکان ندارد لفظی بدون هیچ ترجیح ذاتی و طبیعی بر معنایی اختصاص یابد؛ بی‌تردید علاقه و نشانه‌ی طبیعی با سابقه‌ی قبلی میان آن دو وجود دارد. در واقع الهاماتی که از شیء موسوم بر انسان وارد می‌شود، سبب نام‌گذاری می‌گردد و صرف اراده‌ی انسان کافی نیست. (جعفری‌تبار، ۱۳۷۶: ۱۱۶) «از جمله مواردی که در

تاریخ بدان اشارت کرده‌اند این است که از یکی از طرفداران این نظریه معنی کلمه «ذغاغ» را - که در فارسی به معنی سنگ است - پرسیدند و او پس از تأمل گفت: خشکی و درشتی‌ای در این واژه احساس می‌کنم، به گمانم معنی آن سنگ است. «شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۱۶»

این نظریه منتقدان بسیاری دارد و علم زبان‌شناسی جدید آن را مردود می‌داند. چراکه اگر رابطه لفظ و معنی صرفاً ذاتی و طبعی باشد، در این صورت باید در تمامی زبان‌ها واژگان یکسان باشند و هر شخص بدون نیاز به یادگیری بتواند زبان را درک کند و به آن سخن بگوید. در واقع حدودی که خود کلمات می‌توانند اشیاء را تقلید کنند یا نشان دهند بسیار محدود و اندک است. زبان پدیده اجتماعی است بنابراین کلمات در یک جامعه و با توافق ضمنی اعضا آن می‌توانند معنی داشته باشند. (چایلد، ۱۳۵۲: ۳۷)

البته نباید در برخی از موارد، مانند نقش طبیعی ساختار کلمه و نظام آوایی آن در رسانگی مفهوم لغوی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۱۵) یا بحث تذکیر و تأنیث برخی از واژگان و نام‌ها در زبان‌هایی چون فرانسه و عربی، دلالت ذاتی را نادیده بگیریم و صرفاً رابطه لفظ و معنی را قراردادی بدانیم.

۳ - ۲ - دلالت قراردادی لفظ بر معنا

در هر زبانی برای نامیدن اشیاء و پدیده‌ها دلالت قراردادی خاصی وجود دارد که در غالب موارد با زبان‌های دیگر متفاوت است. اکثر زبان‌شناسان و بسیاری از متفکران معتقدند که اشیاء و پدیده‌های پیرامون ما مدلول بوده و علائم و نشانه‌های زبانی برای نام‌گذاری آنها دال به حساب می‌آیند. بر اساس نظریه دلالت قراردادی یا وضعی، زبان از طریق وضع و قرارداد به وجود آمده است.

از میان طرفداران این نظریه در یونان قدیم می‌توان به دیموکریت^۱ اشاره کرد اما ارسطو در این باره مباحث ویژه‌ای ارائه می‌کند. «او بر این عقیده است که زبان زاده توافقی و قرارداد است و هر واژه‌ای که با یک صورت زبانی مشخص دال بر مدلولی خاص است، در زمانی خاص بر اساس توافق چند یا چندین نفر به وجود آمده است و عللی که موجب انتخاب واژه‌ای برای نامیدن چیزی می‌شود کاملاً اختیاری و شخصی است و این علل از یک اجتماع به اجتماع دیگر فرق می‌کند. به نظر وی ارتباطی منطقی بین مجموعه الفاظ: «ف، ی، ل = فیل» با خود

1. Democritus (460 – 370 BC).

آن حیوان که به این نام خوانده می‌شود، وجود ندارد.» (باقری، ۱۳۸۳ الف: ۲۵)

در میان متفکران اسلامی نیز ابوهاشم جبّایی و ابن سینا از پیروان این نظریه هستند. ابن سینا در این باب معتقد است: «حتی اگر وضع اصلی الفاظ را ضروری و از جانب پروردگار بدانیم، بی‌گمان از جهت مشارکت مردم در به‌کارگیری این وضع و قرارداد، باید به اصطلاحی (قراردادی) بودن آن باور داشته باشیم؛ زیرا مخاطب فقط هنگامی سخن متکلم را می‌پذیرد که از پیش میان آن دو، رابطه‌ی لفظ و معنا تذکر داده شده باشد.» (جعفری‌تبار، ۱۳۷۶: ۱۱۵)

اکثر عالمان علم منطق از جمله خواجه نصیرالدین طوسی (۴) نیز بر این عقیده هستند. آدام اسمیت^۱ از جمله پژوهش‌گران و فیلسوفان غربی‌ای بود که به نظریه‌ی دلالت قراردادی لفظ بر معنا اعتقاد داشت. جرجی زیدان^۲ نیز اکتسابی اصطلاحی بودن زبان را مسأله‌ی بسیار روشنی می‌داند؛ چراکه از نظر او انسان زبان قومی را که در میان آن قوم پرورش می‌یابد، می‌آموزد و به آن زبان حرف می‌زند و اگر در قومی دیگر به دنیا می‌آید، به زبانی دیگر سخن می‌گفت. (زیدان، ۱۹۶۳: ۱۲۹ - ۱۳۰)

۳ - ۴. نظریه‌ی تکامل

بر اساس نظریه‌ی تکامل، با تکامل ساختار مغز انسان و نیز تکامل دریاچه‌ی حلق (جهت ایجاد آواها) امکان آفرینش زبان پدید آمده است. در واقع، همان‌طور که انسان در فرایند راه رفتن و خوردن بر اساس نیاز غریزی خود رفتار می‌کند، با توجه به نظام فطری در جامعه و نیاز به برقراری ارتباط نیز از زبان بهره می‌گیرد. از این جهت، زبان خود را به حرکت درآوده و اصوات و آواها را تولید می‌کند و به این شکل زبان شکل می‌گیرد.

چامسکی بارها بر این اندیشه که زبان یک قابلیت درونی انسان بر اساس ساختار خاص مغزی است، تأکید کرده است. او در مباحثه‌ی معروف خود با پیازه اثبات نمود که هرگز نمی‌توان به یک شامپانزه نظام ارتباطی‌ای را تحمیل کرد که خصوصیات زبان انسان را داشته باشد؛ چراکه شامپانزه فاقد آن قطعه از نیم‌کره‌ی چپ مغز است که مسئولیت ساختارهای خاص زبان انسان را بر عهده دارد. (ریوز و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵۴)

1. Adam Smith (1723 – 1790).

2. Jurji Zaydan (1861 – 1914).

پینکر^۱ نیز به این موضوع اعتقاد دارد. طبق این نظریه، «غریزهٔ زبان در حکم یک شبکهٔ عصبی ضبط و ربطی در مغز است که چامسکی آن را «ابزار کسب زبان^۲» می‌خواند. این شبکهٔ عصبی به نحو ذاتی حاوی یک «دستور زبان جهان‌شمول^۳» است. در فرایند سیر تکامل به قصد رمزگذاری و رمزگشایی زبان، غریزهٔ زبان و ابزار کسب زبان نیز دستخوش تحول و تکامل بوده‌اند.» (صاحب‌جمعی، ۱۳۸۹: ۲۳)

در دههٔ ۱۹۸۰ م مطالعات فیلیپ لیبرمن^۴ نشان داد که پیدایش زبان به انسان اندیشمند اندیشمند (۵) باز می‌گردد؛ بنابراین پیدایش زبان یک پدیدهٔ جدید به حساب می‌آید. نظریهٔ او بر اساس مطالعهٔ مقایسه‌ای دستگاه حنجره و تارهای صوتی در انسان، میمون و انسان‌های اولیه، با استفاده از داده‌های باستان‌شناختی بود. (۶)

در بین پستانداران، در بچهٔ حلق (زبان کوچک) در انتهای گلو در بالا قرار دارد تا باعث امکان بسته شدن سوراخ حلق و رفع خطر خفگی در هنگام خوردن و تنفس به شکل هم‌زمان را فراهم آورد. در نوزادان، حلق برای خوردن شیر مادر و تنفس به شکل هم‌زمان در وضعیت بالا قرار دارد اما به تدریج در دوران کودکی به طرف پایین متمایل می‌شود. این وضعیت امکان تلفظ آواها را فراهم می‌نماید و فرد می‌تواند صحبت کند. (دورتیه، ۱۳۸۹: ۳۷۶)

اما این نظریهٔ لیبرمن دربارهٔ خاستگاه زبان، با بازسازی جدیدی از مجموعهٔ به دست آمده از غار «شاپل او سنت^۵» اعتبار خود را از دست داد؛ چراکه این نوع نئاندرتال‌ها (۷) یک مجموعهٔ کاملاً مدرن داشتند. این اکتشاف به همراه تحقیقات دیگری در باب بازسازی مجموعهٔ انسان‌های اولیه، مسألهٔ پیدایش زبان را به دوره‌های دورتر نسبت داد.

در این بین، مطالعات آناتومی و فیزیولوژیک زبان، که از داده‌های دیرین‌انسان‌شناسی استفاده می‌کنند، دقیق‌ترین داده‌ها را نسبت به نظریات دیگر که فاقد مستندات باستان‌شناختی هستند یا از آنها بهرهٔ کمی دارند، در باب تکامل مغز انسان و پیدایش زبان مطرح ساخته‌اند.

-
1. Steven Pinker (1954).
 2. Language acquisition device.
 3. Universal grammar.
 4. Philip Lieberman (1934 – 1966).
 5. La Chapelle-aux-Saints.
 6. Neandertal.

امروزه بر اساس پیشرفت تحقیقات علمی، برخی از زبان‌شناسان بحث «تدریجی بودن» پیدایش زبان را مطرح ساخته‌اند. این نظریه از دو مرحله «پیش‌زبان» (انسان‌های راست‌قامت (۸)) و مرحله پیچیدگی زبان (انسان‌های اندیشمند اندیشمند) تشکیل شده است. در این باره، چارلز هاکت^۱ در دهه ۱۹۷۰ م، زبان انسانی را متعلق به دو مرحله دانست: مرحله اول، مرحله آمیزش^۲ است، یعنی زمانی که انسان صداهایی ترکیبی از دو صدای اولیه ساخت. این نوع اصوات مانند صداهای حیوانات صرفاً پیام‌های کوتاه و محدودی نظیر احساس خطر و ... بودند به شکلی که صداهای آمیزش‌یافته، حجم پیام‌ها را افزایش می‌داد. مرحله دوم مرحله «دوگانگی الگوی^۳» است که صداهای آمیزشی در ترکیب‌های بی‌شماری قرار می‌گیرند تا حجم معانی نیز افزایش یابد. (ریویر، ۱۳۷۹: ۲۵۹)

بیکرتن^۴ نیز معتقد است که زبان انسان در دو مرحله تحول یافته است: اول، ظهور زبان‌های اولیه و بدوی به عنوان زبان بیان نمادین، به شکل نشانه‌های کلامی یا ایماء و اشاره و علائم، عبارت از الگوسازی از طریق اصوات یا اشارات جسمانی؛ و دوم پیدایش زبان بر اساس قوانین دستور زبانی. (صاحب‌جمعی، ۱۳۸۹: ۲۵ - ۲۶)

۴. وحدت زبان

طبق اسطوره آفرینش، در آغاز، یک زبان وجود داشت و جامعه بشری فقط به آن زبان سخن می‌گفت. با گذشت زمان، زبان مادر دچار تحول شد و زبان‌های دیگر از آن زبان پدید آمد اما خود زبان مادر از بین رفت. فرهنگ‌های مختلف، زبان‌های گوناگونی را مانند یونانی، سانسکریت، عربی، آلمانی، سوئدی، فرانسوی و ... به عنوان زبان نخستین مطرح ساخته‌اند. در جهان مسیحیت بر اساس مطالب تورات (سفر پیدایش) اولین زبان، زبان عبری مطرح گردیده است. از این نظر، تنوع زبان‌ها نیز به دلیل ساختن برج بابل برای دست‌رسی به آسمان‌ها به عنوان یک تنبیه از طرف خدا دانسته شده است. برخی نیز زبان عربی را نخستین زبان معرفی کرده‌اند. از جمله احمد بن فارس با اشاره به توقیفی بودن زبان عربی آن را اولین زبان می‌داند: *إن لغت العرب توقیف*. (علی‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۵) برخی نیز واضع زبان عربی را به

1. Charles Francis Hockett (1916 – 2000).

2. Blending.

3. Duality of patterning.

4. Derek Bickerton (1926).

عنوان اولین زبان، یَعْرَب بن قحطان می‌دانند. (۹) در حدیثی نیز روایت گردیده است که ابوذر غفاری از پیامبر (ص) نام کتابی را پرسید که بر حضرت آدم نازل شده است. پیامبر (ص) این کتاب را «کتاب المعجم» معرفی نمودند و در مورد محتوای آن فرمودند: «الف، ب، ت، ث، ...» (۱۰).

از دوران کهن مسألهٔ زبان نخستین، ذهن بسیاری را به خود مشغول ساخته است و در طول تاریخ، در داستان‌های منقول آزمایشاتی در این باب انجام شده است. هرودوت ۱ در این مورد داستانی را نقل می‌کند:

مصری‌ها قبل از سلطنت پسامتیک پادشاه ایشان، خود را قدیم‌ترین اقوام بشری می‌دانستند. ولی بعد معتقد شدند که اگرچه خودشان بر همهٔ اقوام مقدمند ولی فریگیه قومی از قدیمی‌ترین نژادها بودند. چون پسامتیک سعی نموده بود معلوم کند چه قومی واقعاً بدوی‌ترین نژاد بودند، برای اکتشاف این مطلب طریق ذیل را تدبیر کرد: دو طفل را از نوع طبیعی برگزید و آنها را به جوانی سپرد تا در شبان‌گاه خود پرورش دهد و به او امر اکید کرد که کسی پیش آنها حرفی نزند بلکه آن دو را در کلبه‌ای دورافتاده نگاه دارد و گاه‌گاهی بزهایی به اقامت‌گاه آنها ببرد تا از شیرشان تغذیه کنند ولی از هر جهت نیز مواظب حال آنها باشد. ... چوپان تا دو سال بر طبق امر پادشاه رفتار کرد و در پایان مدت دو سال روزی که در اطاق را باز کرد و داخل شد، بچه‌ها هر دو با آغوش باز به طرف او دویده و صریحاً چنین گفتند: «بکوس». اول دفعه‌ای که این اتفاق افتاد، شبان‌تلفاتی نمود ولی بعد که قدری تأمل کرد و دوباره به دیدن بچه‌ها رفت مشاهده کرد که آنها باز همان کلمه را به زبان می‌آورند. پس پادشاه را بی‌درنگ از چگونگی آگاه ساخت و به امر او اطفال را به حضور آورد و خود پسامتیک هم دید که آنها همان کلمه را تلفظ می‌کنند. دستور داد تحقیق کنند که کلمهٔ بکوس از چه زبانی است و معنی آن چیست و در نتیجه خبر یافت که بکوس یک لغت فریگی و به معنی نان است. با این وصف مصری‌ها دست از دعاوی خود برداشته و قدمت حتمی فریگیه را تصدیق کردند. (هرودوت، ۱۳۶۲: ۱۳۴ - ۱۳۵)

هم‌چنین جیز چهارم، پادشاه اسکاتلند آزمایشی را در این باب در حدود ۱۵۰۰ م انجام داد که نتیجهٔ آزمایش نشان داد کودکان به زبان عبری سخن گفتن را آغاز کرده بودند. (بول، ۱۳۷۹: ۷) البته کودکانی که در طول تاریخ به شکل منزوی و بدون تماس با انسان‌ها یافت شده‌اند،

هیچ یک از این حکایات را تصدیق نمی‌کنند؛ چراکه آنها بدون زبان گفتاری (شبهه زبان‌های انسانی) رشد کرده‌اند.

حکایت اکبرشاه، از پادشاهان تیموریان هندوستان در تأیید این موضوع است. چنین نقل کرده‌اند که اکبرشاه دوازده نوزاد را به همراه پرستارانی که لال بودند، در قصری که از آگره، پایتخت شهر او سی کیلومتر فاصله داشت، محصور کرد. پدر کاترو یسوعی در سال ۱۷۰۵ م در این باب می‌نویسد: «وقتی کودکان دوازده ساله شدند، اکبرشاه آنها را به حضور خود خواند و کسانی را که در اواع زبان‌ها تبحر داشتند، در قصر خود گرد آورد... وقتی کودکان به حضور شاه بار یافتند، همه حضار در شگفت شدند از این که دیدند آنها به هیچ زبانی صحبت نمی‌کنند. کودکان از پرستاران خود یاد گرفته بودند که بدون استفاده از زبان رفع نیاز کنند؛ آنها اندیشه‌های خود را صرفاً از راه حرکات که وظیفه کلمات را انجام می‌دادند، بیان می‌داشتند.» (بلیک‌مور، ۱۳۶۶: ۱۸۱)

توجه به مسأله وحدت زبان باعث شد تا برخی از زبان‌شناسان نیز از نظر علمی به دنبال شباهت‌هایی میان زبان‌های مختلف و رسیدن به «زبان مادر» باشند و آنها را از این منظر طبقه‌بندی کنند. مگیسر^۱ نمونه‌هایی از چهل زبان را در سال ۱۵۹۲ م منتشر کرد که این مجموعه اولین گام اساسی در عصر جدید علم زبان‌شناسی به شمار می‌رود. یکی دیگر از صاحب‌نظرانی که در این زمینه فعالیت نمود، فردی اسپانیولی به نام پاندورو^۲ بود که در اثر خود بیش از هشتصد زبان را به شکل تطبیقی بررسی کرد. در قرن هجدهم نیز انتشار آثاری چون **واژگان تطبیقی زبان‌های دنیا**^۳ اثر پالاس^۴، جهان‌گرد آلمانی مطالعات تطبیقی زبان‌ها را بسیار هموار ساخت. در نیمه اول قرن نوزدهم عمده تحقیقات زبان‌شناسان امکان‌بازسازی و دست‌یابی به زبان‌های مادر برخی از سلسله‌زبان‌ها را فراهم نمود. از جمله: هند و اروپایی (در جرعه اول) سپس اورالی، سامی، دراویدی، مالایی - پولینزی (۱۱)

برخی از زبان‌شناسان معتقد هستند که به دلیل تراکم تغییرات روی داده در تحول زبان‌ها بازسازی زبان اولیه غیرممکن است. ولی با این وجود بر اساس زبان‌های موجود و نیز مستندات

1. Jérôme Megiser (vers 1555–1619).
2. Lorenzo Hervás y Panduro (1735 – 1809).
3. *Sravnitel'nyye slovari vsekh yazykov i narechiy.*
4. Peter Simon Pallas (1741 – 1811).

تاریخی در حوزه زبان‌شناسی، زبان مادر بسیاری از زبان‌ها و ارتباط خانوادگی آنها کشف گردیده و به شکل جدول زبانی منتشر شده است. (۱۲)

۵. نتیجه

از دوران قدیم، دانشمندان ملل گوناگون در باب خاستگاه زبان نظریات متعددی را بر اساس مستندات خود ارائه نموده‌اند. اگرچه بحث درباره منشأ زبان سده‌ها ادامه یافته است و نظریات متعددی در این زمینه ارائه گردیده اما ماهیت نامحسوس و ناملموس زبان به گونه‌ای است که نمی‌توان هیچ یک از نظریات را به شکل قطعی پذیرفت. اما با این وجود هر یک از تئوری‌های موجود در باب خاستگاه زبان دلایل و مستندات ویژه خود را مطرح نموده‌اند و هر کدام پشتوانه‌های تاریخی و علمی خود را دارند.

در اغلب ادیان و دیدگاه‌های اسطوره‌ای به جهت پرسش‌هایی که ذهن بشر در باب خاستگاه زبان مطرح می‌نموده، یک منشأ الهی برای آن در نظر گرفته شده است؛ به شکلی که زبان به عنوان هدیه‌ای الهی در اختیار انسان قرار داده شده است. یعنی از این منظر، خداوند پس از خلق انسان، سخن گفتن را به او آموخته است. نظریه دیگری نیز درباره خاستگاه زبان وجود دارد که زبان را تقلید از صدای اشیاء و موجودات می‌داند. در واقع بر اساس این نظریه، کلمات مولود تقلید از آواهای طبیعی هستند.

دیدگاه دیگر بحث دلالت لفظی را شامل می‌شود. در واقع از دید منطقی دلیل دلالت لفظ بر معنا پیوندی است که در ذهن میان لفظ و معنا وجود دارد. اما در این میان، درباره ذاتی بودن و یا قراردادی بودن این نوع دلالت بحث مفصلی وجود دارد. بر اساس دیدگاه دیگر، با عنوان نظریه تکامل، با تکامل ساختار مغز انسان و نیز تکامل دریچه حلق (جهت ایجاد آواها) امکان آفرینش زبان پدید آمده است. در واقع، همان طور که انسان در فرایند راه رفتن و خوردن بر اساس نیاز غریزی خود رفتار می‌کند، با توجه به نظام فطری در جامعه و نیاز به برقراری ارتباط نیز از زبان بهره می‌گیرد.

یادداشت‌ها

۱. ر.ک: (افلاطون، ۱۳۹۰: ۷۳۱ - ۸۰۴).

۲. ر.ک: (کاسیرر، ۱۳۶۰: ۱۶۸).

۳. ر.ک: (راسل، ۱۳۵۷: ۲۱۹) و (کاسیرر، ۱۳۶۰: ۱۵۶ - ۱۶۱).

۴. ر.ک: (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۷: ۷).

۵. انسان اندیشمند (Homo sapiens): دوران زندگی انسان اندیشمند را از زمان انسان راست‌قامت تا حدود سی و پنج هزار سال پیش می‌دانند. انسان اندیشمند علاوه بر دقت و ظرافتی که در ساختن ابزارهای سنگی به کار می‌برده، آتش را می‌شناخته و از آن در کباب کردن گوشت استفاده می‌کرده، در پناه‌گاه غارها مسکن داشته، مردگان را دفن می‌کرده و دارای مذهب بوده. انسان اندیشمند را به دو گروه: اندیشمند نئاندرتال و اندیشمند اندیشمند (انسان امروزی) تقسیم می‌کنند. (ملک‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۲)

۶. ر.ک: (Lieberman, 1984).

۷. نئاندرتال: از نظر دوران زندگی، تقریباً آخرین نوع انسان پیش از انسان عصر ما است. کاسه سر و جمجمه انسان نئاندرتال متعلق به سومین و چهارمین دوره یخبندان است. این جمجمه برجستگی زیادی در بالای ابرو و پیش‌آمدگی صورت و آواره قوی و برجستگی چانه و مغزی به اندازه مغز انسان امروز دارد. انسان نئاندرتال از دانه‌های رنگین استفاده می‌نموده و زبان‌شناسان معتقدند که زبانی - بسیار مختصر - برای ادای مقصود داشته است. (ملک‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۳)

۸. انسان راست‌قامت (Homo erectus): دوران زندگی انسان راست‌قامت را حدود یک میلیون سال پیش از میلاد می‌دانند. ساخت ابزارهایی که به انسان راست‌قامت نسبت می‌دهند، از دقت و ظرافتی بیشتر از ابزار ماهر برخوردار است. او برای خود پناهگاه می‌ساخته و استفاده از آتش را می‌دانسته است. (ملک‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۱)

۹. ر.ک: (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳) و (جزایری، ۱۳۷۲: ۲۴).

۱۰. ر.ک: (طباطبایی، [بی تا]: ۳ و ۴).

۱۱. برای آگاهی از «تاریخچه مطالعات زبانی» ر.ک: (باقری، ۱۳۸۳ الف: ۲۴ - ۳۴) و (ریوز و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۱ - ۱۲۹).

۱۲. به عنوان مثال، برای مشاهده نمودار زبان‌های خانواده هند و اروپایی ر.ک: (باقری، ۱۳۸۳ ب: ۳۱).

منابع

قرآن کریم.

افلاطون، ۱۳۹۰، دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، نشر خوارزمی، چاپ چهارم، ج ۲.

باقری، مه‌ری، ۱۳۸۳ الف، تاریخ زبان فارسی، تهران، قطره، چاپ نهم.

_____، ۱۳۸۳ ب، مقدمات زبان‌شناسی، تهران، قطره، چاپ هفتم.

بلومفیلد، لئونارد، ۱۳۷۹، زبان، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، تهران، مرکز دانشگاهی.

بلیک مور، کالین، ۱۳۶۶، ساخت و کار ذهن، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، فرهنگ معاصر.

جزایری، محمدجعفر، ۱۳۷۲، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، قم، دارالکتاب

جعفری‌تبار، حسن، ۱۳۷۶، زمستان، «برزخی میان لفظ و معنی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۱۶۵: ۱۱۱ - ۱۳۲.

جی. ویس، برنارد، ۱۳۹۱، آذر، «زبان و متفکران مسلمان قرون میانه»، ترجمه علی پیرحیاتی، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۷، ش ۹: ۲۴ - ۲۷.

چایلد، گوردون، ۱۳۵۲، انسان خود را می‌سازد، ترجمه پیرانفر اسدپور، تهران، پیام.

حسینی خاتون‌آبادی، میر محمد باقر بن اسماعیل، ۱۳۸۴، ترجمه اناجیل اربعه، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ دوم.

حسینی زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ ه.ق، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۸۵، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ هجدهم.

دورتیه، ژان - فرانسوا، ۱۳۸۹، انسان‌شناسی، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران، خجسته.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۲۵ ه.ق، ۱۱ شعبان، صور اسرافیل، ش ۱۴ (۱۹ سپتامبر ۱۹۰۷؛ ۲۷ شهریور ۱۲۸۶): ۳ - ۴.

_____، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.

دینه‌سن، آنهماری، ۱۳۸۰، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، تهران، پرستش.

راسل، برتراند، ۱۳۵۷، تحلیل ذهن، ترجمه منوچهر بزرگ‌مهر، تهران، خوارزمی، چاپ دوم.
ریوز، هوبرت و دیگران، ۱۳۸۱، منشأ عالم، حیات، انسان و زبان، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران، آگاه، چاپ دوم.

ریویر، کلود، ۱۳۷۹، درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی.
زیدان، جرجی، ۱۹۶۳، الفلسفة اللغویة و الألفاظ العربیة، قاهره.

سوسور، فردیناند دو، ۱۳۷۸، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، هرمس.
سیاسی، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، «ظهور لغت و ملازمت آن با معنا». لغت‌نامه، دهخدا، علی‌اکبر، تهران، دانشگاه تهران: ۳.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۵، موسیقی شعر، تهران، آگاه، چاپ نهم.

صاحب‌جمعی، حمید، ۱۳۸۹، خانه هستی، زبان، اندیشه و خرد، تهران، نشر ثالث.
طباطبائی، محمد، [بی‌تا]. مفاتیح الاصول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
علی‌نیا، بتول، ۱۳۷۹، بهار، «نظریه پیدایش زبان از دیدگاه علماء عرب‌زبان»، رشد آموزش معارف اسلامی، ش ۴۱: ۵۴ - ۵۷.

فالك، جولیا اس، ۱۳۷۷، زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلام‌علی‌زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ پنجم.

کاسیرر، ارنست، ۱۳۶۰، فلسفه و فرهنگ، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
کلاین‌برگ، اتو، ۱۳۶۹، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، اندیشه، ج ۱.
ماهوتیان، شهرزاد، ۱۳۷۸، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمایی، تهران، نشر مرکز.

مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۴، منطق، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالعلم، چاپ پانزدهم، ج ۲.

معینیان، نرمینه، ۱۳۸۸، زبان‌شناسی از دیدگاه انسان‌شناسی، تبریز، ستوده.

ملک‌زاده، حسن، ۱۳۹۱، مبانی انسان‌شناسی، تهران، نشر علم.

موحد، صمد، ۱۳۷۶، شیخ محمود شبستری، تهران، طرح نو.

نجفی، ابوالحسن، ۱۳۸۰، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران، نیلوفر، چاپ هفتم.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۱۳۶۷، اساس الاقتباس، تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.

نیکوبخت، ناصر، ۱۳۸۳، بهار، «صوت‌آواها و نظریه منشأ زبان»، پژوهش‌های ادبی، ش ۳: ۱۱۵ - ۱۳۲.
هرودوت، ۱۳۶۲، تاریخ هرودوت، ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
یول، جرج، ۱۳۷۹، نگاهی به زبان، ترجمه: نسرین حیدری، تهران، سمت، چاپ چهارم.

Lieberman, P, 1984, *The Biology and Evolution of Language*, Harvard University Press.